نقل بیش از صد روایت از عمارساباطی در کافی

همین عمار ساباطی که ایشان فرمودند را ببینید؛ دو محدّث بزرگ؛ هم مرحوم فیض و هم علامه مجلسی دارند؛ از حدائق از اینها نقل کردهاند در جاهای دیگر هم هست. عباراتشان را دیدم. خودتان مراجعه کنید. اول فیض فرمودهاند اگر راوی این روایت عمار نبود عمل میکردیم. اما عمار مضطرب در نقل است. ریخت روایات عمار طوری است که وقتی او راوی است، دیگر برای ما حجیت بالفعل ندارد. علامه مجلسی میفرمایند روایتی از عمار نیست، مگر اینکه در آن تشویش هست. اگر الآن صحبت در خصوص عمارساباطی است، مرحوم شیخ میگویند در مورد راوی نه تکذیب صدور است و نه تضعیف صدور است، بلکه راوی ثقه ای است. اما در نقل مضطرب نقل میکند. نمیتوانیم اطمینان کنیم که دارد چه کار میکند. خب این تصفیه است؟! اگر به این صورت است باید کل روایات عمارساباطی را کنار بگذارند. اگر بنابراین است که روایات عمار مضطرب است، در کافی نباید نقل کند، درحالیکه بالای صد و بیست روایت از عمار هست. جالب این است که حدود صد روایت از او در فروع کافی است. یعنی روایاتی است که برای فقه است. در روضه و اصول، حدود بیست روایت است. نزدیک صد روایت از عمار در کافی در فروع است. همین عماری که میگویند مضطرب است. خب باید صد روایت در کافی را هم بررسی کنیم. ببینیم چیست. سائر روایات مهمتر است. تصفیه فقط این نبود که تنها روایات عمار را کنار بگذارند؛ البته که کنار نگذاشتند. تصفیه این بود که مجمع علیه را بگیرند و شاذ را کنار بگذارند؟ خب شاذ را تعریف کنیم؟ شاذ یعنی طائفه به آن عمل نکردهاند؟ خب باید مسلم شود که قبلی ها عمل کردهاند ای نکردهاند. شاذی که الآن با عمل آنها شاذ شود، شاذی است که به نفس اجتهاد و عمل اصحاب آمده است. کسی که اجتهاد میکند بر میگردد و میگوید شما صد نفر عمل کردید، من هم به صد نفر دیگر مثل خودم روایت مقابل را بیان میکنم و به آن عمل میکنیم. لذا مساوی میشوند. یعنی به صرف عمل که شاذ نمیشود. باید شذوذی قبل از عمل باشد. یعنی بدانیم این شذوذ قبل از فتوا بوده است.

شاگرد: فرمایش مرحوم مجلسی و فیض را که همه نمیگویند. اتفاقا مواردیکه کلینی و صدوق میآورند، از مواردی نیستند که شاذ باشند. مثل شیخ در عده دارد که اگر مخالفین روایت کنند نگاه میشود که اگر از اصحاب ما در آن زمینه روایتی رسیده ای نه. لذا از این حیث موی‌ّد میشود. صحبت بر سر مواردی است که اصحاب نیاورده اند ولی شیخ آوردهاند.

استاد: اصحاب قبلا ًنیاورده اند ای در قرن چهارم نیاورده اند؟

شاگرد: بین کتاب مرحوم کلینی و شیخ تفاوت میگذارند. مثل کتاب کلینی، کتاب جا افتادهای بوده که مورد پذیرش همه واقع شده است. یعنی اینطور نبود که شذوذات در آن واقع شده باشد. چه مکتب قم بوده ای مکتب بغداد بوده، یک اجماعی روی این کتاب بوده و بعد هم مثل مرحوم صدوق.

بازبینی #3
ایجاد شده 31 دسامبر 2025 11:26:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 فوریه 2026 14:35:36 توسط ... .